با ایران توشه
یک قدم جلوتر
باش!

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت



ایران توشه، مرجع دانلود فایل های کمک آموزشی دانش آموزان و کنکوری ها

همه چیز
برای موفقیت
تو!

- دانلود رایگان آزمون های آزمایشی قلمچی، خیلی سبز، گاج و ...
- دانلود رایگان گام به گام تمامی دروس
- دانلود رایگان نمونه سوالات امتحانی (نوبت اول و دوم) و امتحانات نهایی
- دانلود رایگان جزوه های کمک آموزشی و شب امتحانی

کافیست هر فایلی که نیاز دارید را در گوگل به این صورت جستجو کنید:

فایل مورد نیاز + ایران توشه

مثال:

دانلود گام به گام دوازدهم تجربی ایران توشه



irantooshe.ir

t.me/irantooshe

گام به گام عربی، زبان قرآن (۱) دهم انسانی
درس ششم

عنوان فصل: المَعالِمُ الخَلّابَةُ

از صفحه‌ی ۸۱ تا صفحه‌ی ۹۲ کتاب

در این فایل پاسخ فعالیت‌ها، کارهای کلاسی، تمرین‌ها و پرسش‌های فصل المَعالِمُ الخَلّابَةُ آمده است.

مباحث فصل: المعالم الخلابة، إعراب أجزاء الجملة الاسمية والفعلية، في الصيدلية

تهیه‌شده در ایران‌توشه، توشه‌ای برای موفقیت

irantooshe.ir

فهرست پرسش‌ها

۱ صفحه ۸۱ · ترجمه‌ی متن — آیه‌ی آغاز درس ۴

۲ صفحه ۸۲ · ترجمه‌ی متن — المَعالِمُ الخَلّابَةُ (۱) ۴

۳ صفحه ۸۲ · ترجمه‌ی متن — المَعالِمُ الخَلّابَةُ (۲) ۴

۴ صفحه ۸۲ · ترجمه‌ی متن — المَعالِمُ الخَلّابَةُ (۳) ۴

۵ صفحه ۸۲ · ترجمه‌ی متن — المَعالِمُ الخَلّابَةُ (۴) ۵

۶ صفحه ۸۳ · ترجمه‌ی متن — المَعالِمُ الخَلّابَةُ (۵) ۵

۷ صفحه ۸۳ · ترجمه‌ی متن — المَعالِمُ الخَلّابَةُ (۶) ۵

۸ صفحه ۸۳ · ترجمه‌ی متن — المَعالِمُ الخَلّابَةُ (۷) ۶

۹ صفحه ۸۴ · ابحث في نص الدرس — جواب قصير للأسئلة ... ۶

۱۰ صفحه ۸۷ · اختبر نفسك — اختبر نفسك ۱ ..... ۷

۱۱ صفحه ۸۷ · اختبر نفسك — اختبر نفسك ۲ ..... ۷

۱۲ صفحه ۸۸ · اختبر نفسك — اختبر نفسك ۳ ..... ۸

۱۳ صفحه ۸۹ · حوار — في الصَّيدَليَّةِ (۱) ۸

۱۴ صفحه ۸۹ · حوار — في الصَّيدَليَّةِ (۲) ۹

۱۵ صفحه ۹۰ · التمرين ۱ — كلمات مناسب توضيح ۹

۱۶ صفحه ۹۰ · التمرين ۲ — الفراغ و كلمتان زائدتان ۱۰

۱۷ صفحه ۹۱ · التمرين ۳ — الفراغ (مثنى و جمع مذكر سالم) ... ۱۰

۱۸ صفحه ۹۱ · التمرين ۴ — الكلمة المعربة ۱۱

۱۹ صفحه ۹۲ · التمرين ۵ — أَعرِبِ الكَلِماتِ المُلَوَّنَة ۱۲

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۱ صفحه ۸۱ ترجمه‌ی متن

ترجمه‌ی آیه: ﴿قُل سیروا فِي الأَرضِ فَانظُروا کَیفَ کانَ عاقِبَةُ الَّذینَ مِن قَبلُ﴾ الروم: ۴۲

1. «بگو: در زمین بگردید و بنگرید که سرانجامِ پیشینیان چگونه بوده است.»

۲ صفحه ۸۲ ترجمه‌ی متن

ترجمه‌ی متن درس: اَلمَعالِمُ الخَلّابَةُ

إنَّ إیرانَ مِنَ الدُّوَلِ الجَمیلَةِ في العالَمِ وَ المَشهورَةِ بِالکَثیرِ مِنَ المَناطِقِ الخَلّابَةِ وَ المَعالِمِ التّاریخیَّةِ وَ الثَّقافیَّةِ. وَ فیها صِناعاتٌ یَدَویَّةٌ تَجذِبُ السّائِحینَ مِن کُلِّ العالَمِ.

1. المَعالِمُ الخَلّابَةُ: آثار (نشانه‌های) جذّاب.
2. بی‌گمان ایران از کشورهای زیبای جهان است و به بسیاری از مناطق جذّاب و آثار تاریخی و فرهنگی مشهور است. و در آن صنایع دستی‌ای وجود دارد که گَردشگران را از همه‌ی جهان جذب می‌کند.

۳ صفحه ۸۲ ترجمه‌ی متن

شَهِدَت إیرانُ في السَّنَواتِ الأَخیرَةِ نُمُوّاً مَلحوظاً في السِّیاحَةِ، فَهِيَ تَستَطیعُ أن تَحصُلَ مِنَ السِّیاحَةِ عَلی ثَروَةٍ عَظیمَةٍ بَعدَ النِّفطِ. یَری بَعضُ السّائِحینَ إیرانَ بَلَداً مُمتازاً لِقَضاءِ العُطُلاتِ.

1. ایران در سال‌های اخیر رشدی قابل‌توجه در گردشگری را شاهد بوده است؛ پس می‌تواند از گردشگری، پس از نفت، ثروتی بزرگ به دست آورد. برخی گَردشگران ایران را کشوری عالی (ممتاز) برای گذراندن تعطیلات می‌بینند.

۴ صفحه ۸۲ ترجمه‌ی متن

قامَت مُنَظَّمَةُ الیونِسکو بِتَسجیلِ مُدُنٍ وَ مَناطِقَ ثَقافیَّةٍ وَ تاریخیَّةٍ إیرانیَّةٍ في قائِمَةِ التُّراثِ العالَمِيِّ؛ لِأَنَّها تَجذِبُ کَثیراً مِنَ السّائِحینَ إلَیها.

1. سازمان یونسکو شهرها و مناطق فرهنگی و تاریخی ایران را در فهرست میراث جهانی ثبت کرد؛ زیرا آن‌ها گَردشگران بسیاری را به سوی خود جذب می‌کنند.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

این فایل توسط سایت ایران‌توشه تهیه شده است.
irantooshe.ir

۵ صفحه ۸۲ ترجمه‌ی متن

مِنَ الآثارِ وَ المَعالِمِ التّاريخيَّةِ في إيرانَ: مَرقَدُ الإمامِ الرِّضا وَ مَرقَدُ الفِردَوسيِّ في مَشهَدَ، وَ مَرقَدُ السَّيِّدَةِ مَعصومَةَ بِمَدينَةِ قُمَّ، وَ آثارُ برسبوليس وَ مَقبَرَتا حافِظٍ وَ سَعديَّ في مُحافَظَةِ فارِسَ، وَ «طاقُ بُستانَ» وَ «كَتيبَةُ بيستونَ» في مُحافَظَةِ كِرمانشاهَ، وَ قَلعَةُ «فَلَكِ الأَفلاكِ» في خُرَّم آبادَ، وَ قَلعَةُ الوالي وَ غاباتُ البَلّوطِ في إيلامَ،

1. از آثار و نشانه‌های تاریخی در ایران: مرقد امام رضا (ع) و آرامگاه فردوسی در مشهد، و مرقد بانو معصومه (س) در شهر قم، و آثار تخت جمشید (پرسپولیس) و آرامگاه‌های حافظ و سعدی در استان فارس، و «طاق بستان» و «کتیبه‌ی بیستون» در استان کرمانشاه، و قلعه‌ی «فلک‌الافلاک» در خرم‌آباد، و قلعه‌ی والی و جنگل‌های بلوط در ایلام،

۶ صفحه ۸۳ ترجمه‌ی متن

وَ «حَمّامُ گَنجعَلي خان» في مُحافَظَةِ كِرمانَ المَشهورَةِ بِإنتاجِ الفُستُقِ وَ السَّجّادِ، وَ شَلّالاتُ شوشتر وَ مَقبَرَةُ النَّبيِّ دانيالَ في خوزستانَ، وَ مَرقَدُ ابنِ سينا العالِمِ المَشهورِ في العالَمِ في هَمَدانَ، وَ كَهفُ عَلي صَدر وَ هُوَ مِن أَطوَلِ الكُهوفِ المائيَّةِ في العالَمِ، وَ العِماراتُ الأَثَريَّةُ في إصفَهانَ وَ قَد سَجَّلَتها مُنَظَّمَةُ اليونِسكو الدَّوليَّةُ في قائِمَةِ التُّراثِ العالَمِيِّ؛

1. و «حمام گنجعلی‌خان» در استان کرمان که به تولید پسته و فرش مشهور است، و آبشارهای شوشتر و آرامگاه دانیال نبی در خوزستان، و آرامگاه ابن‌سینا، دانشمند مشهور جهان، در همدان، و غار علی‌صدر که از طولانی‌ترین غارهای آبی جهان است، و ساختمان‌های تاریخی در اصفهان که سازمان جهانی یونسکو آن‌ها را در فهرست میراث جهانی ثبت کرده است؛

۷ صفحه ۸۳ ترجمه‌ی متن

أمّا المُحافَظاتُ الشَّماليَّةُ الثَّلاثُ عَلى شاطِئِ بَحرِ قَزوينَ (Caspian) فَهيَ رائِعَةٌ بِمَناظِرِها الجَميلَةِ، وَ كَأنَّها قِطعَةٌ مِنَ الجَنَّةِ فَهيَ مُناسِبَةٌ لِلبِطاقاتِ البَريديَّةِ.

1. امّا سه استان شمالی در ساحل دریای خزر (قزوین) با چشم‌اندازهای زیبایشان شگفت‌انگیزند و گویی پاره‌ای از بهشت‌اند؛ پس برای کارت‌پستال‌ها مناسب‌اند.

۸ صفحه ۸۳ — ترجمه‌ی متن

لا بُدَّ مِن تَأليفِ كِتابٍ عَظيمٍ لِإحصاءِ مَناطِقِ الجَذبِ السّياحيِّ في إيرانَ، نَذكُرُ قِسماً آخَرَ مِنها: يَزدُ وَ حَلوِيّاتُها وَ مَناطِقُها الصَّحراويَّةُ، وَ تَبريزُ وَ سوقُها المَشهورَةُ بِأَنَّها أَكبَرُ سوقٍ مُسَقَّفَةٍ في العالَمِ، وَ بُحَيرَةُ زَريبارَ في مَريوانَ، وَ قُبَّةُ سُلطانيَّةَ في زَنجانَ، وَ مُتحَفُ التُّراثِ الرّيفيِّ قُربَ رَشتَ، وَ آلافُ المَناطِقِ الأُخرى.

فَتَنَوُّعُ مَعالِمِ إيرانَ وَ استِقرارُ الوَضعِ الأَمنيِّ فيها يُشَجِّعُ السّائِحينَ إلَى السَّفَرِ إلَيها لِرُؤيَةِ جَمالِ آثارِها وَ طَبيعَتِها الخَلّابَةِ.

1. ناگزیر باید کتابی بزرگ برای شمارش مناطق جذّاب گردشگری در ایران نوشته شود؛ بخشی دیگر از آن‌ها را یاد می‌کنیم: یزد و شیرینی‌هایش و مناطق کویری‌اش، و تبریز و بازارش که به این مشهور است که بزرگ‌ترین بازار سرپوشیده‌ی جهان است، و دریاچه‌ی زریبار در مریوان، و گنبد سلطانیه در زنجان، و موزه‌ی میراث روستایی نزدیک رشت، و هزاران منطقه‌ی دیگر.
2. پس تنوّع آثار ایران و برقراری وضعیت امنیتی (امن) در آن، گردشگران را به سفر به ایران برای دیدن زیبایی آثار و طبیعت جذّابش تشویق می‌کند.

۹ صفحه ۸۴ — ابحث في نص الدرس

اِبحَث في نَصِّ الدَّرسِ عَن جَوابٍ قَصيرٍ لِهذِهِ الأَسئِلَةِ.

۱ـ ما اسمُ الكَهفِ الَّذي هُوَ مِن أَطوَلِ الكُهوفِ المائيَّةِ في العالَمِ؟ .....

۲ـ مِمَّ تَستَطيعُ إيرانُ أن تَحصُلَ عَلى ثَروَةٍ بَعدَ النِّفطِ؟ .....

۳ـ اُذكُر عِمارَةً مِنَ العِماراتِ الأَثَريَّةِ في مَدينَةِ إصفَهانَ. .....

۴ـ أَيُّ صِناعَةٍ إيرانيَّةٍ تَجذِبُ السّائِحينَ مِن كُلِّ العالَمِ؟ .....

۵ـ أَينَ تَقَعُ قَلعَةُ الوالي؟ .....

مِمَّ = مِن + ما: از چه — تَقَعُ: واقع است

1. **كَهفُ عَلي صَدر** (في هَمَدانَ) — نام غار: غار علی‌صدر.
2. **مِنَ السِّياحَةِ** — از گردشگری.
3. مثلاً **جِسرُ خواجو** (یا مسجد امام / میدان نقش جهان / مسجد شیخ لطف‌الله) — از ساختمان‌های تاریخی اصفهان.
4. **صِناعاتٌ يَدَويَّةٌ** — صنایع دستی.
5. **في إيلامَ** — در ایلام.

ایران توشه
توشه‌ای برای موفقیت

۱۰ صفحه ۸۷ اختبر نفسك

اِخْتَبِر نَفسَكَ: عَيِّن إعرابَ الأَسماءِ المُلَوَّنَةِ المَرفوعَةِ وَ المَنصوبَةِ وَ المَجرورَةِ.

۱ـ قَرَأَ الطّالِبُ المُجِدُّ قَصيدَةً رائِعَةً.

۲ـ لا تَكتُب شَيئاً عَلَى الآثارِ التّاريخيَّةِ.

۳ـ رَسَمَ الأَولادُ صورَةً جَميلَةً عَلى رَملِ السّاحِلِ.

رَمل: ماسه

1. «دانش‌آموز کوشا قصیده‌ای زیبا خواند.» — الطّالِبُ: فاعل و مرفوع به ضمه / المُجِدُّ: صفت و مرفوع به ضمه / قَصيدَةً: مفعول و منصوب به تنوین نصب (فتحه) / رائِعَةً: صفت و منصوب به تنوین نصب.
2. «بر آثار تاریخی چیزی ننویس.» — شَيئاً: مفعول و منصوب به تنوین نصب / الآثارِ: اسم مجرور به حرف جرّ «عَلی» و مجرور به کسره / التّاريخيَّةِ: صفت و مجرور به کسره.
3. «فرزندان تصویری زیبا بر ماسه‌ی ساحل کشیدند.» — الأَولادُ: فاعل و مرفوع به ضمه / صورَةً: مفعول و منصوب به تنوین نصب / جَميلَةً: صفت و منصوب به تنوین نصب / رَملِ: اسم مجرور به حرف جرّ و مجرور به کسره / السّاحِلِ: مضاف‌إلیه و مجرور به کسره.

۱۱ صفحه ۸۷ اختبر نفسك

اِخْتَبِر نَفسَكَ: أَعرِبِ الكَلِماتِ المُلَوَّنَةَ.

۱ـ مُديرُ المَدرَسَةِ واقِفٌ أَمامَ الاِصطِفافِ الصَّباحيِّ.

۲ـ اللَّونُ البَنَفسَجيُّ لِغُرفَةِ النَّومِ مُهَدِّئٌ لِلأَعصابِ.

۳ـ لا يُصَدِّقُ العاقِلُ قَولَ الَّذي يَكذِبُ كَثيراً.

1. «مدیر مدرسه مقابل صفِ صبحگاهی ایستاده است.» — مُديرُ: مبتدا و مرفوع به ضمه / واقِفٌ: خبر و مرفوع به تنوین رفع (ضمه).
2. «رنگ بنفش برای اتاق خواب آرام‌بخشِ اعصاب است.» — اللَّونُ: مبتدا و مرفوع به ضمه / مُهَدِّئٌ: خبر و مرفوع به تنوین رفع (ضمه).
3. «خردمند سخنِ کسی را که بسیار دروغ می‌گوید باور نمی‌کند.» — العاقِلُ: فاعل و مرفوع به ضمه / قَولَ: مفعول و منصوب به فتحه.

این فایل توسط سایت ایران‌توشه تهیه شده است.

irantooshe.ir

۱۲ صفحه ۸۸ اختبر نفسك

اِخْتَبِر نَفسَكَ: عَيِّنِ الصِّفَةَ وَ المُضافَ إلَيهِ، ثُمَّ اذكُر إعرابَهُما.

۱ـ رِضَا اللهِ في رِضَا الوالِدَينِ. رَسولُ اللهِ (ص)

۲ـ سُكوتُ اللِّسانِ سَلامَةُ الإنسانِ. أَميرُ المُؤمِنينَ عَلِيٌّ (ع)

۳ـ يَكذِبُ الإنسانُ الضَّعيفُ وَ يَصدُقُ الإنسانُ القَوِيُّ.

۴ـ اَلطُّلّابُ المُؤَدَّبونَ مُحتَرَمونَ عِندَ المُعَلِّمينَ.

۵ـ اَلشَّعبُ العالِمُ شَعبٌ ناجِحٌ.

1. «رضایت خدا در رضایت پدر و مادر است.» — اللهِ: مضاف‌إلیه و مجرور به کسره / الوالِدَینِ: مضاف‌إلیه و مجرور به (ي) (علامت جرّ مثنی).
2. «سکوت زبان، سلامتِ انسان است.» — اللِّسانِ: مضاف‌إلیه و مجرور به کسره / الإنسانِ: مضاف‌إلیه و مجرور به کسره.
3. «انسان ضعیف دروغ می‌گوید و انسان قوی راست می‌گوید.» — الضَّعیفُ: صفت و مرفوع به ضمه / القَوِيُّ: صفت و مرفوع به ضمه.
4. «دانش‌آموزان مؤدب نزد معلمان محترم‌اند.» — المُؤَدَّبونَ: صفت و مرفوع به (و) (علامت رفعِ جمع مذکر سالم) / المُعَلِّمينَ: مضاف‌إلیه (اسم مجرور) و مجرور به (ي).
5. «ملتِ دانا، ملتی موفق است.» — العالِمُ: صفت و مرفوع به ضمه / ناجِحٌ: صفت و مرفوع به تنوین رفع (ضمه).

۱۳ صفحه ۸۹ حوار

حِوارٌ (في الصَّيدَليَّةِ): در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

الحاجُّ — الصَّيدَليُّ

عَفواً، ما عِندي وَصفَةٌ وَ أُريدُ هذِهِ الأَدوِيَةَ المَكتوبَةَ عَلَى الوَرَقَةِ.

أَعطِني الوَرَقَةَ. مِحرارٌ، حُبوبٌ مُسَكِّنَةٌ لِلصُّداعِ، حُبوبٌ مُهَدِّئَةٌ، كَبسول أَمبيسيلين، قُطنٌ طِبِّيٌّ، مَرهَمٌ لِحَسّاسِيَّةِ الجِلدِ... لا بَأسَ، لكِن لا أُعطيكَ أَمبيسيلين.

لِماذا؟ أَ ما عِندَكُم؟

لا؛ عِندَنا، وَ لكِن بَيعُها بِدونِ وَصفَةٍ غَيرُ مَسموحٍ.

ترجمه‌ی گفت‌وگو (حاجی و داروساز):

1. ببخشید، نسخه‌ای ندارم و این داروهای نوشته‌شده روی برگه را می‌خواهم.
2. برگه را به من بده. دماسنج، قرص‌های مسکّن سردرد، قرص‌های آرام‌بخش، کپسول آمپی‌سیلین، پنبه‌ی پزشکی، پماد حساسیت پوست... اشکالی ندارد، ولی آمپی‌سیلین به تو نمی‌دهم.

3. چرا؟ مگر ندارید؟

4. نه، داریم؛ ولی فروش آن بدون نسخه مجاز نیست.

۱۴ صفحه ۸۹ حوار

شُكراً جَزيلاً يا حَضرَةَ الصَّيدَليّ.

لِمَن تَشتَري هذِهِ الأَدوِيَةَ؟

أَشتَريها لِزُمَلائي في القافِلَةِ.

اَلشِّفاءُ مِنَ اللّٰهِ.

صَيدَلِيَّة: داروخانه — صَيدَلي: داروساز — أَدوِيَة: داروها (مفرد: دَواء) — مِحرار: دماسنج — قُطن: پنبه — جِلد: پوست — أَعطِني: به من بده

1. بسیار سپاسگزارم، آقای داروساز.

2. این داروها را برای چه کسی می‌خری؟

3. برای همراهانم در کاروان می‌خرم.

4. شفا از جانب خداست.

۱۵ صفحه ۹۰ التمرين ۱

اَلتَّمرينُ الأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنَ الكَلِماتِ الجَديدَةِ لِلدَّرسِ، تُناسِبُ التَّوضيحاتِ التّالِيَةَ؟

۱ـ آلَةٌ لِلإِطِّلاعِ عَلى دَرَجَةِ حَرارَةِ الجِسمِ وَ الجَوِّ. .....

۲ـ يَومُ الاِستِراحَةِ لِلمُوَظَّفينَ وَ العُمّالِ وَ الطُّلّابِ. .....

۳ـ مِنطَقَةٌ بَرِّيَّةٌ بِجِوارِ البِحارِ وَ المُحيطاتِ. .....

۴ـ إِدارَةٌ لِتَسليمِ الرَّسائِلِ وَ استِلامِها. .....

۵ـ نَباتٌ يُعطي ثَمَراً أَبيَضَ اللَّونِ. .....

۶ـ مَكانٌ لِبَيعِ الأَدوِيَةِ. .....

1. **مِحرار**: ابزاری برای آگاه شدن از دمای بدن و هوا = دماسنج.

2. **عُطلَة**: روز استراحت برای کارمندان، کارگران و دانش‌آموزان = تعطیلی.

3. **شاطِئ**: منطقه‌ی خشکی کنار دریاها و اقیانوس‌ها = ساحل.

4. **بَرید**: اداره‌ای برای تحویل دادن و دریافت نامه‌ها = پست.

5. **قُطن**: گیاهی که میوه‌ی سفیدرنگ می‌دهد = پنبه.

6. **صَيدَلِيَّة**: مکانی برای فروش داروها = داروخانه.

توشه‌ای برای موفقیت

۱۶ صفحه ۹۰ التمرين ۲

اَلتَّمرينُ الثّاني: ضَع في الفَراغِ كَلِمَةً مُناسِبَةً مِنَ الكَلِماتِ التّاليَةِ. «كَلِمَتانِ زائِدَتانِ»

تُراثٌ / قُبَّةٌ / جِلديٌّ / رائِعَةٌ / السِّياحيّ / الرِّيفِ / الحَلويّاتُ

۱ـ كانَ لِصَديقي مَرَضٌ ..... فَذَهَبَ إِلَى المُستَشفى.

۲ـ قَرَأتُ قَصيدَةً ..... لِأَميرِ الشُّعَراءِ أَحمَد شَوقي.

۳ـ جَلَسنا تَحتَ ..... شاه چراغ في مَدينَةِ شيراز.

۴ـ إِنَّ كُردِستان مِن مَناطِقِ الجَذبِ ..... في إيرانَ.

۵ـ اَلعَيشُ في ..... جَميلٌ جِدّاً.

كانَ لِـ: داشت

1. **جِلديٌّ**: كانَ لِصَديقي مَرَضٌ جِلديٌّ فَذَهَبَ إِلَى المُستَشفى. — «دوستم بیماری پوستی داشت، پس به بیمارستان رفت.»
2. **رائِعَةً**: قَرَأتُ قَصيدَةً رائِعَةً لِأَميرِ الشُّعَراءِ أَحمَد شَوقي. — «قصیده‌ای زیبا از امیرالشعرا احمد شوقی خواندم.»
3. **قُبَّةِ**: جَلَسنا تَحتَ قُبَّةِ شاه چراغ في مَدينَةِ شيراز. — «زیر گنبد شاه‌چراغ در شهر شیراز نشستیم.»
4. **السِّياحيّ**: إِنَّ كُردِستان مِن مَناطِقِ الجَذبِ السِّياحيّ في إيرانَ. — «کردستان از مناطق جذب گردشگری در ایران است.»
5. **الرِّيفِ**: اَلعَيشُ في الرِّيفِ جَميلٌ جِدّاً. — «زندگی در روستا بسیار زیباست.»

کلمه‌های اضافی: **تُراثٌ** و **الحَلويّاتُ**.

۱۷ صفحه ۹۱ التمرين ۳

اَلتَّمرينُ الثّالِثُ: ضَع في الفَراغِ كَلِمَةً مُناسِبَةً.

۱ـ رَأَينا ..... مِن أَمريكا الوُسطى في المَتحَفِ. (سائِحانِ / سائِحَينِ)

۲ـ ساعَدَتِ ..... المَرأَةَ الَّتي تَصادَمَت بِالسَّيّارَةِ. (المُمَرِّضَتانِ / المُمَرِّضَتَينِ)

۳ـ حُزنُ ..... في قُلوبِهِم لا في وُجوهِهِم. (المُؤمِنونَ / المُؤمِنينَ)

۴ـ ..... وَقَفا في بِدايَةِ السّاحَةِ الأولى. (الشُّرطيّانِ / الشُّرطيّينِ)

۵ـ ..... حاضِرونَ في مِهرَجانِ المَدرَسَةِ. (المُعَلِّمونَ / المُعَلِّمينَ)

۶ـ نَزَلَ ..... مِن طائِراتِهِمُ الحَربيَّةِ. (الطَّيّارونَ / الطَّيّارينَ)

1. **سائِحَينِ**: رَأَينا سائِحَينِ مِن أَمريكا الوُسطى في المَتحَفِ. — مفعول است و منصوب؛ علامت نصبِ مثنی «ـیـنِ». «دو گردشگر از آمریکای مرکزی را در موزه دیدیم.»

ایران توشه
توشه‌ای برای موفقیت

2. **المُمَرِّضَتانِ**: ساعَدَتِ المُمَرِّضَتانِ المَرأَةَ الَّتي تَصادَمَت بِالسَّيّارَةِ. — فاعل است و مرفوع؛ علامت رفعِ مثنی «ا». «دو پرستار به زنی که با ماشین تصادف کرده بود، کمک کردند.»

3. **المُؤمِنينَ**: حُزنُ المُؤمِنينَ في قُلوبِهِم لا في وُجوهِهِم. — مضاف‌إلیه است و مجرور؛ علامت جرِّ جمع مذکر سالم «ـیـنَ». «اندوه مؤمنان در دل‌هایشان است، نه در چهره‌هایشان.»

4. **الشُّرطيّانِ**: الشُّرطيّانِ وَقَفا في بِدايَةِ السّاحَةِ الأولى. — مبتدا است و مرفوع؛ علامت رفعِ مثنی «ا». «دو پلیس در ابتدای میدان اول ایستادند.»

5. **المُعَلِّمونَ**: المُعَلِّمونَ حاضِرونَ في مِهرَجانِ المَدرَسَةِ. — مبتدا است و مرفوع؛ علامت رفعِ جمع مذکر سالم «و». «معلمان در جشنواره‌ی مدرسه حاضرند.»

6. **الطَّيّارونَ**: نَزَلَ الطَّيّارونَ مِن طائِراتِهِمُ الحَربيَّةِ. — فاعل است و مرفوع؛ علامت رفعِ جمع مذکر سالم «و». «خلبانان از هواپیماهای جنگی‌شان پیاده شدند.»

۱۸ صفحه ۹۱ التمرين ۴

اَلتَّمرينُ الرّابِعُ: عَيِّنِ الكَلِمَةَ المُعرَبَةَ.

۱ـ سَعيدٌ أَنا هُوَ كُم

۲ـ هذا هؤُلاءِ اللّهُ ذلِكَ

۳ـ هِيَ أَنتِ نَحنُ صَحيفَةٌ

۴ـ بَريدٌ أُولئِكَ تِلكَ هذِهِ

۵ـ هَل فُستُقٌ أَينَ مَتى

1. **سَعيدٌ** (معرب)؛ «أَنا، هُوَ، كُم» ضمیر و مبنی‌اند.
2. **اللّهُ** (معرب)؛ «هذا، هؤُلاءِ، ذلِكَ» اسم اشاره و مبنی‌اند.
3. **صَحيفَةٌ** (معرب)؛ «هِيَ، أَنتِ، نَحنُ» ضمیر و مبنی‌اند.
4. **بَريدٌ** (معرب)؛ «أُولئِكَ، تِلكَ، هذِهِ» اسم اشاره و مبنی‌اند.
5. **فُستُقٌ** (معرب)؛ «هَل» حرف پرسشی و «أَينَ، مَتى» اسم پرسشی و مبنی‌اند.

یادآوری: ضمیرها، اسم‌های اشاره و کلمه‌های پرسشی مبنی‌اند (علامت آخرشان با تغییر جایگاه در جمله عوض نمی‌شود)؛ بیشتر اسم‌های دیگر معرب‌اند.

اَلتَّمرينُ الخامِسُ: أَعرِبِ الكَلِماتِ المُلَوَّنَةَ.

۱ـ ﴿هَل جَزاءُ الإحسانِ إلَّا الإحسانُ﴾ الرحمن: ۶۰

۲ـ خَيرُ النّاسِ مَن يَنفَعُ النّاسَ. رَسولُ اللّهِ (ص)

۳ـ جَمالُ العِلمِ نَشرُهُ وَ ثَمَرَتُهُ العَمَلُ بِهِ. أَميرُ المُؤمِنينَ عَلِيٌّ (ع)

۴ـ اَلدَّهرُ يَومانِ؛ يَومٌ لَكَ وَ يَومٌ عَلَيكَ. أَميرُ المُؤمِنينَ عَلِيٌّ (ع)

۵ـ اِستَخرَجَ الفَلّاحونَ ماءً مِن بِئرِ القَريَةِ.

۶ـ اَلعَقلُ السَّليمُ في الجِسمِ السَّليمِ.

1. «آیا پاداشِ نیکی جز نیکی است؟» — جَزاءُ: مبتدا و مرفوع به ضمه / الإحسانِ (اول): مضاف‌إلیه و مجرور به کسره / الإحسانُ (دوم): خبر و مرفوع به ضمه.
2. «بهترین مردم کسی است که به مردم سود برساند.» — خَيرُ: مبتدا و مرفوع به ضمه / النّاسِ (اول): مضاف‌إلیه و مجرور به کسره / النّاسَ (دوم): مفعول و منصوب به فتحه.
3. «زیبایی دانش، گسترش دادن آن و میوه‌اش عمل کردن به آن است.» — جَمالُ: مبتدا و مرفوع به ضمه / العِلمِ: مضاف‌إلیه و مجرور به کسره / نَشرُ: خبر و مرفوع به ضمه (و «ـهُ»: مضاف‌إلیه) / ثَمَرَةُ: مبتدا و مرفوع به ضمه (و «ـهُ»: مضاف‌إلیه) / العَمَلُ: خبر و مرفوع به ضمه.
4. «روزگار دو روز است؛ روزی به سود تو و روزی به زیان تو.» — الدَّهرُ: مبتدا و مرفوع به ضمه / يَومانِ: خبر و مرفوع به «ا» (علامت رفعِ مثنی).
5. «کشاورزان آبی از چاهِ روستا بیرون آوردند.» — الفَلّاحونَ: فاعل و مرفوع به «و» (علامت رفعِ جمع مذکر سالم) / ماءً: مفعول و منصوب به تنوین نصب.
6. «عقل سالم در بدن سالم است.» — العَقلُ: مبتدا و مرفوع به ضمه / السَّليمُ: صفت و مرفوع به ضمه.

این فایل توسط سایت ایران‌توشه تهیه شده است.
irantooshe.ir